



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۳، صص ۸۴۹-۸۳۵

گردشگری کارزار انتخاباتی و مشارکت سیاسی (فنلاند و افغانستان)

دکتر وحید صادقی^{۱*}، دکتر سید محمد حسین حسینی^۲

۱. دکتری جغرافیای سیاسی، عضو هیئت تدریس علوم جغرافیایی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

va.sadeghi@mail.um.ac.ir

۲. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

mh.hossein25@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

چکیده

کارزار انتخاباتی چیست و چگونه ماهیت گردشگری پیدا می‌کند و آیا او خود گردشگری است پرسش داستان مقاله کنونی است. کارزار انتخاباتی عرصه درخشان انسان‌های سیاسی بافضیلت است که محترمانه از طریق پویایی سیاسی، قدرت را بدست می‌گیرند و رفتار انتخاباتی پایگاه خود را مفتخرند. رفتار انتخاباتی از هر نوعیش؛ در صورت رهایی نویسنده از زندان درون، بچسب، مدنی و جغرافیایی است. بازاریابی سیاسی اصالت به تفاوت‌های جغرافیایی، دموکراسی است، اینجاست که کارزار انتخاباتی ماهیت گردشگری پیدا می‌کند. یافته‌ها می‌گویند تنها راه حل صلح جهانی، گردشگری و موسیقی است در این صورت است که گردشگری روز به روز پی به اهمیتش برده می‌شود و حتی باعث شکل‌گیری استعاره جغرافیای بدن کارزار انتخاباتی اینطور که بدن، فرمی سرخوش و بچسب خلق شده و هموار در اندیشه جاودانگی و بقاست، شده است. بی‌پرده گفته شود که این مقاله می‌گوید؛ کارزار انتخاباتی در دموکراسی‌ها گردشگری است این بدین صورت که در نادموکراسی‌ها مشارکت و سیاسی‌کاری است. بر پایه گزارشی، در بین ۱۳۷ کشور، طبق شش متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی سالم، آزادی در انتخاب زندگی، سخاوتمندی، ادراک فساد و «ویران‌شهری» (Dystopia) که معیاری برای کشورهایی که از بیشترین تا کمترین میزان شادی را دارند، فنلاند شادترین کشور جهان و افغانستان ناشادترین کشور جهان هستند. بنابراین می‌توان گفت کارزار انتخاباتی فنلانی گردشگری است تا افغانستان که نادرست مشارکت برانگیز و سیاسی‌کاری‌های غیرمقبول، آنچه‌که به نام انتخابات است را برگزار می‌کند.

واژگان کلیدی: گردشگری کارزار انتخاباتی، مشارکت سیاسی‌کاری، دموکراسی، فنلاند، افغانستان.

۱) مقدمه / بیان مسئله

کارزار انتخاباتی بچسب‌ترین فرایند سیاسی در دموکراسی به شمار می‌رود که هر نوع فعالیت سیاسی لذتی‌ست برای کسب قدرت سیاسی (هدف). اینچنین فرایند سیاسی که منتهی به هدف (تحصیل کرسی) است از ابتدا تا انتهایش، نقش آفرینانش در حال لذت بردن از کنشی‌ست که در این هم‌اورد انجام می‌دهند. کمپین‌های انتخاباتی تبلیغاتی هرچقدر برندساز و بازاریابی سیاسی جذب رأی خود را متکی به برانگیختن رأی در قالب اصالت به تفاوت‌های جغرافیایی بدهند از پایگاه رأی دموکراتیکی برخوردار می‌شوند. اصالت به تفاوت‌های جغرافیایی و خلق برند و حکمروایی / کنشگری تبلیغاتی همسایه‌ای که زیربنای گردشگری انتخاباتی‌ست باعث شده تا کارزار انتخاباتی ماهیت گردشگری به خود بگیرد و باعث توفیق نامزدهای انتخابات شود. کارزار انتخاباتی با اصالت دادن به تفاوت‌های جغرافیایی و تحرکات همسایگی در دموکراسی‌ها معنای گردشگری کارزار انتخاباتی را دارد در صورتی که در نادموکراسی‌ها، بدون توجه به این دو عامل و صرفاً جنبه‌های روبنایی که مشارکت سیاسی جامعه پراتوری و سیاسی‌کاری نیروهای سیاسی و اصحاب قدرت هستند به وجود می‌آید. در صورت تحرکات تمامی آنچه که نیروهای شکل‌دهنده کارزار انتخاباتی به شمار می‌روند از احزاب سیاسی تا بدن نامزدها هر یک به نوبه خود در نقشی که برای کمپین انتخاباتی خود هستند ضمن حذف کردن رقبا در حال لذت بردن از کنشگری خود هستند که پویایی جامعه و نشانگر زنده بودن یک جامعه است. پرسش این پژوهش این است که زیربنای کارزار انتخاباتی برای کسب قدرت سیاسی چیست و گردشگری کارزار انتخاباتی چیست و چگونه معنا پیدا می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش دو کشور فنلاند و افغانستان که یکی واحه و دیگری ورطه است اینطور بررسی شده است که فنلاند طبق شاخص‌هایی شادترین کشور جهان شناخته شده است در صورتی که افغانستان ناشادترین کشور از این منظر است، می‌توان گفت در فنلاند، کارزار انتخاباتی گردشگری‌ست در صورتی که در افغانستان، رقابت قومی و طایفه‌ای به شکل مشارکت سیاسی و نبرد است.

۲) نوآوری و ایده‌پردازی

مقاله بنیادی تجویزی پیش رو حاصل آمدن این ایده است که کارزار انتخاباتی در دموکراسی‌ها چون در هم‌آمیخته با ایفای نقش‌های گوناگون است و نقش‌ها، آزادانه و محترمانه کنشگر می‌شوند پس لذت‌بخش و بچسب است. در واقع کارزار انتخاباتی در دموکراسی‌ها گردشگری‌ست بدین صورت که در نادموکراسی‌ها با وجود شکل‌گیری فرم انتخابات (نام‌نویسی) و رأی‌گیری (اندرن) فقط مشارکت سیاسی‌کاری برای کسب قدرت به هر طریقی‌ست؛ در

صورتی که کارزار انتخاباتی گردشگری کسب کرسی از راه عامل همسایگی و اصالت دادن به تفاوت‌های جغرافیایی است که در سیستم سیاسی / انتخاباتی فنلاند به درستی اجرا و کاربست دارد. روش نوشتن مقاله تحلیلی - کیفی است.

۳) مفاهیم و مباحث نظری

الف) شالوده نوشتار: دموکراسی

ارزشمندترین جنبه یک جامعه دموکرات، حکومت اکثریت نیست بلکه محدود کردن قدرت حاکم با هدف حمایت از حقوق شهروندی است به نحوی که، برنده انتخابات هر کاری که دلش بخواهد، نمی‌کند و نباید بخواهد هر چیزی را به انقیاد خود درآورد (نوح‌هراری، ۱۴۰۱: ۱). در دموکراسی‌ها، حکمرانی، موقتی است؛ یعنی هر چهار یا شش سال یک‌بار و محدود به قانون است. دلیل این محدودیت، این پیش‌فرض دموکراسی است که حکمرانی‌های دائمی و غیرمحدود، به دلیل تراکم قدرت، ثروت و اطلاعات فسادآور است. دموکراسی‌ها به مبانی اصلی حقوق بشر مقیدند و مجاز نیستند از طریق قانونگذاری، به نام اکثریت، حقوق اقلیت‌های سیاسی و غیرسیاسی را نادیده بگیرند. در دموکراسی‌ها، شهروندان باید بتوانند برای دفاع از حقوق خود، در برابر قدرت سیاسی، از طریق نهادهای مدنی (NGO) و جنبش‌های اجتماعی (SM) خود را سازماندهی کنند (جلائی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۹۳). دموکراسی‌ها به طور منظم انتخابات آزاد عادلانه برگزار می‌کنند که همه شهروندان حق شرکت در آن را دارند. در یک دموکراسی، انتخابات نمی‌تواند نمایشی ظاهری باشد، بلکه انتخابات، رقابت‌های واقعی هستند بر سر کسب حمایت مردم. جوامع دموکراتیک به ارزش‌هایی همچون تحمل، همکاری و مدارا پای‌بند هستند. در حکومت مردم‌سالار، کشمکش بین احزاب سیاسی نه جنگی برای بقا، که رقابتی برای خدمت به مردم است. احزاب سیاسی، سازمان‌هایی داوطلب برای ایجاد پیوند بین مردم و حکومت هستند. در یک حکومت دموکراتیک مطبوعات نباید زیر نظر حکومت کار کنند. مطبوعات آزاد مردم را آگاه می‌سازند، گردانندگان را مورد سوال قرار می‌دهند و شرایطی را برای مباحثات منطقه‌ای و سراسری فراهم می‌کنند. در حکومت‌های دموکراتیک به مطبوعات پر و بال می‌دهند، سیستم قضایی مستقل، جامعه مدنی تحت حاکمیت قانون و بیان آزاد همگی از مطبوعات آزاد حمایت می‌کنند. مطبوعات آزاد باید از حمایت قانونی برخوردار باشند (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۰). برگزاری انتخابات نه مبین دموکراتیک بودن حکومت - هاست و نه نتیجه آن بیانگر خواسته‌های مردم. اکثر نظام‌های سیاسی کنونی از دموکراتیک تا استبدادی و از سوسیالیست گرفته تا سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری، همه انتخابات برگزار می‌کنند. نکته جالب این است که

دولت‌های اقتدارگرا و نظام‌های سوسیالیستی بیش از حکومت‌های دموکراتیک برای انتخابات اهمیت قائلند. در این کشورها، انتخابات برای مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی به کار می‌رود و مشارکت فعال مردم در انتخابات نیز از ترس تنبیه‌هاتی است که ممکن است از طرف حکومت علیه آنها به کار رود، نه به علت علاقه آنها به نامزدها و یا برنامه‌هایشان. در دموکراسی‌های غربی و ژاپن میزان مشارکت مردم در انتخابات به فرهنگ سیاسی آنها و علاقه یا بی‌علاقگی‌شان به مسائل سیاسی بستگی دارد (امجد، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

ب) انسان سیاسی و فرایند سیاسی انتخابات

انسان سیاسی به معنای موجودی است برخوردار از نگرش، ادراک و رفتارشناس عینی و تحلیلگر پدیدارهای ذهنی در عالی‌ترین (سیاست) مقیاس زیست این جهانی. «موجود سیاسی» است؛ از آن حیث که در سپهر سیاست، وجود خارجی دارد. «نگرش و ادراک» دارد و «رفتارشناس و تحلیل‌گر» است؛ از آن جهت که نسبت به پدیده‌های گوناگون این جهانی تفکر می‌کند و می‌اندیشد. «عالی‌ترین» وجه زیست این جهانی، «سیاست» است؛ از آن جهت که در بردارنده فهم انسان سیاسی از اضلاع گوناگون (فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...) تشکیل دهنده یک جامعه است (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۳). فرایند سیاسی، در نظام سیاسی شکل می‌گیرد. در حقیقت مفهوم فرایند و نظام سیاسی تفکیک‌ناپذیر است. پایه‌های نظام سیاسی، نیروهای اجتماعی هستند که از طریق نهادها و کنش‌های اجتماعی با محیط شکل می‌گیرند. در این چنین بستری، نظام سیاسی را می‌توان تولید نهایی فرایندهایی در نظر گرفت که به دست انسان سیاسی در محیط سیاسی و اجتماعی و در واکنش به نظام‌های سیاسی همسایه شکل گرفته است (ویسی، ۱۳۹۴: ۱۷۴). «انتخابات» با «رأی‌گیری» متفاوت است. انتخابات به معنای واقعی کلمه گردشگری کارزار انتخاباتی است در صورتی که رأی‌گیری، مشارکت سیاسی است. آنچه که باعث تمایز این دو مفهوم شده است کیفیت چگونه افکندن رأی به صندوق رأی است. آنجا که رأی‌دهنده به سطحی از بلوغی عقلی و بالندگی رفتاری رسیده که آگاه به شهروندی (Citizenship) و بر اهمیت و تاثیرگذاری نقش و کنش خود در جامعه پی برده و رأی خود را هوشمندانه، آینده‌گرایانه، بدون اجبار/آزادانه و مخفی به صندوق می‌اندازد که این مهم (عمل معنی‌دار) گویای ساخت انتخابات به معنای واقعی کلمه است اما آنجا که رأی‌دهنده توانایی تشخیص و مهم بودن عمل خود را ندارد و بر پایه یک سلسله ویژگی‌هایی نامعقول و ناآگاهانه فقط به قصد انجام دادن عملی که همان در انتخابات شرکت کردن است رأی خود را به صندوق می‌اندازد صرفاً زمینه برای شکل‌گیری فرایند رأی‌گیری مهیا شده است. مشارکت هوشمندانه زمینه را برای دموکراسی راستین، همه‌جانبه و پایدار فراهم می‌کند در صورتی که مشارکن

ناهمبازیانه بستری برای شاید بتوان گفت انتصابات است. انتخابات ماهیت فرایندی، جغرافیایی و زمانی دارد یعنی سلسله مراتب/قاعده مند/آغاز و پایان و در محدوده مشخص فضایی/مکانی و تاریخ مشخص/در بازه زمانی تعریف شده ای برگزار می شود (صادقی، ۱۴۰۲: ۶۰). با توجه به اینکه رأی دهندگان ترجیحات خود را در خلاء بیان نمی کنند بر نقش مهم جغرافیا به عنوان متن یا بستر (ملی، منطقه ای و محلی) در انتخابات تأکید می کنند (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۲). تاثیر عوامل گوناگون جغرافیایی بر فرایند تصمیم گیری رأی دهندگان و ساختار جغرافیایی نظام رأی گیری و عوامل جغرافیایی در شکل دهی به نتیجه انتخابات، جغرافیای انتخاباتی است (جونز و وودز، ۱۳۹۵: ۲۵۲).

ج) گردشگری کارزار انتخاباتی و مشارکت سیاسی

کارزار انتخاباتی به معنای واقعی کلمه اش، دموکراسی است پس هستی شناختی گردشگری دارد. کارزار انتخاباتی تشکیل شده از کنشگری رفتار انتخاباتی گوناگون رها از زندان درون، گردشگری ست در صورتی که در نادموکراسی ها اینچنین رفتارهای سیاسی، مشارکت و سیاسی کاری ست. حرکت توده با برانگیختگی توسط نیروهای سیاسی و جغرافیای قدرت، مشارکت سیاسی و سیاسی کاری است این بدین صورت که گردشگری کارزار انتخاباتی ایفای نقش های گوناگون آزادانه و فضیلت مندانه توسط شهروندان است که هر دم در حین برگزاری فرایند سیاسی لذت و سود می برند.

در سطح زمین، فرهنگ های سیاسی خاصی در قلمروهای جغرافیایی شکل گرفته شده است. این فرهنگ که بر پایه فرهنگ عمومی آن جامعه شکل گرفته است کنش سیاسی خاصی را برانگیخته که مختص به همان فضا و مکان است. مشارکت انتخاباتی، نوعی کنش سیاسی است که ریشه در فرهنگ سیاسی دارد. آن نوع مشارکتی بنیاد نظام دموکراسی است که بن مایه و مضمونی آگاهانه بر بستر نظام آموزشی قاعده مند و پیشرفته شکل گرفته باشد. مسالمت - آمیزی، رقابتی، عقلانیت محوری، آینده محوری، هدفمندی و آزادانه بودن خصلت های اساسی این نوع مشارکت است که به طور مشخص در کشورهای برخوردار از سنت های دموکراتیک تبلور یافته است. به واقع، کنش سیاسی انتخاباتی آنقدر مهم و راهبردی است که تمام اجزاء و عناصر سیستم سیاسی را متأثر و نوع جامعه سیاسی و ساختار کلی آن را مشخص کرده و بر وضع حال و آینده حوزه انتخابیه و توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی فضای جغرافیایی اثرگذار است. اگر این کنش، راستین/آگاهانه باشد فضای جغرافیایی را توسعه یافته اما اگر این کنش، دروغین/ناآگاهانه باشد فضای جغرافیایی را به ورطه می کشاند. به طور کلی مشارکت و میزان آن سنجه مشروعیت

نظام‌های سیاسی می‌باشد به نحوی که نظام‌های سیاسی می‌کوشند کمیت و کیفیت و شاید عمدتاً مقدار آن افزون باشد تا مشروعیت و مقبولیت سیستم سیاسی را فراهم کنند (صادقی، ۱۴۰۲: ۶۹).

د) جغرافیای بدن

جغرافیای بدن ژست / Gesture است هر طور که باشی همان می‌شود. جغرافیای بدن کارآمد منبعث از بدن آگاهی فکری و جسمی است در این صورت اینطور که خوب هستی همان / کارآمد می‌شوید. کارزار انتخاباتی از آن رو ماهیت گردشگری به خود گرفته است که جغرافیاهای بدن آگاهی در آن نقش آفرینی و کسب قدرت می‌کنند. بدن آگاهی جغرافیایی در علوم انسانی و اجتماعی جایگاه مهمی دارد و معرفتها در جستجوی انسان جغرافیایی است. جغرافیای بدن گردشگران کارزار انتخاباتی از سلامت جسمی و معنوی برخوردار هستند این بدین صورت که جغرافیای بدن در نادموکراسی ها، ناقص و افسرده است و در نتیجه پویایی اجتماعی آن هم از نوع فرایند سیاسی جذابش یعنی کارزار انتخاباتی، معیوب است. جغرافیای بدن محیط یکپارچه بدن است که هر جزءیش کارکردی دارد. علوم به از منظری و به طریقی به این جغرافیا نگریستند. مشاهده گران و سنجش گرا استقراء چشمی را برای مطالعه و کسب معرفت در نظر گرفتند. عقل گرایان ارسطویی به مفر و ذهن و تفکر پرداختند به طوری که جغرافیدانان، پا در میدان گذاشتن را جغرافیا دانستند. جای جای بدن کارکرد و فرمی دارد که همه آنها در محیط یکپارچه بدن نمود پیدا کرده‌اند (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۲) (صادقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶) (صادقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵).

ذ) اندیشه سیاسی همه‌گیر

در دولت‌های دموکراتیک، اندیشه سیاسی همه‌گیر است. بازیگران سیاسی افزون بر عضویت در طیف‌های سیاسی و پلاک حزبی و جناحی، از گفتمان و اندیشه سیاسی همه‌گیر و فراجناحی متبوع هستند. این گفتمان، جامع و تمامی افراد، طبقات و عقاید موجود در جغرافیای سیاسی حوزه انتخابیه را در بر می‌گیرد. این اندیشه، تأمین‌کننده منافع و مصالح تمامی مناطق، اقوام، گروه‌ها و عقاید است. طبیعتاً قلمرو موثر ملی برای پذیرش چنین اندیشه سیاسی محدود به فضا یا گروه خاصی نمی‌شود، از این رو رضایت همه افراد ساکن در فضا (رای‌دهندگان) را جلب و جذب می‌کند. تفاوت دولت‌ها در دموکراسی‌ها و نادموکراسی‌ها در طیف فراگیری قدرت سیاسی تا قدرت از آن گروه، قلمرو، حزب است. در دموکراسی‌ها، تعدد کاندیدا نسبتی با تکثر جغرافیای سیاسی حوزه انتخابیه دارد و بخش بزرگی از آن را بازتاب می‌دهد، این بدین صورت که در نادموکراسی‌ها، تمام سطوح فضای جغرافیایی متأثر از جغرافیای قدرت، پوشانده نمی‌شود. در واقع

پس از آنکه نامزدهای پروزن و با رویکردهای نگرشی، طیفی و فردی گوناگون و متنوع وارد عرصه رقابت نمی‌شوند عملاً نوعی یأس و دلسردی در جامعه رخ می‌دهد و همین مسئله باعث شده بود تا زمزمه یک‌بعدی نمودن جامعه و از بین رفتن تکثر افکار و عقاید به معنای آنچه در ادبیات علوم سیاسی «پاک‌سازی سیاسی» و «مهندسی انتخابات» نامیده می‌شود، در فضای جغرافیایی پخش شود (اعظمی، صادقی و حسینی، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

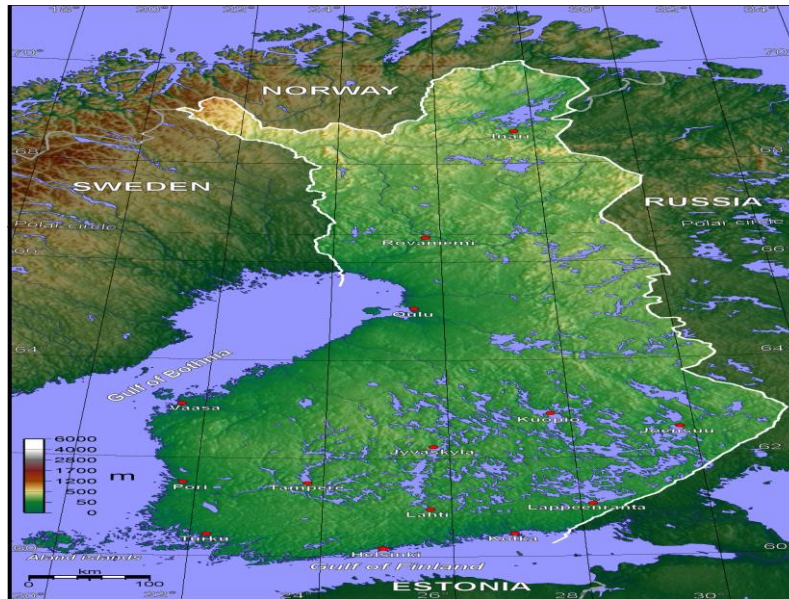
۴) جغرافیاشناسی فنلاند و افغانستان

جغرافیای سیاسی جهان مملو از دولت‌های متنوع در طیف دموکراسی تا نادموکراسی است که به تناسب آزادی و حقوق شهروندی موجود شاد یا افسرده هستند. فنلاند خود را «سرزمین خورشید نیمه‌شب» می‌نامد، زیرا تابستان آن شب ندارد و احتمالاً همین نور اضافی بر حال و هوای این کشور تاثیر گذاشته که بار دیگر تاج «شادترین کشور جهان» را به سر گذاشته است. برای ششمین بار متوالی، کشور فنلاند / نوردیک در صدر جدول گزارش شادی جهان قرار گرفت و بعد از آن دانمارک در رتبه دوم و ایسلند در جایگاه سوم نشست. لیتوانی تنها کشور جدید در بین بیست کشور برتر سال است که از سال ۲۰۱۷ تا کنون بیش از ۳۰ پله صعود کرده است. در این رتبه‌بندی، اسرائیل، هلند، نروژ، سوئیس، لوکزامبورگ و نیوزیلند به ترتیب رتبه چهارم تا دهم را به دست آورده‌اند. در رتبه‌بندی شادی بر اساس میانگین سه ساله ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ ایران در رتبه ۱۰۱ قرار گرفته است. ایالات متحده در این لیست در جایگاه شانزدهم نشسته، درحالی‌که کمترین شادی نصیب افغانستان شده است. کشوری که میلیون‌ها نفر در آن پس از کاهش کمک‌های خارجی در پی قدرت گرفتن دوباره طالبان در سال ۲۰۲۱، به فقر و گرسنگی کشیده شده‌اند (نگارش از یورونیوز فارسی، تاریخ انتشار ۲۰۲۳/۰۳/۲۱ - ۱۸:۰۹).

نظام سیاسی فنلاند، جمهوری است. رئیس‌جمهور مسئول معرفی نخست‌وزیر است و کابینه را نخست‌وزیر اداره می‌کند. نخست‌وزیر و کابینه‌اش باید بتوانند از مجلس رأی اعتماد بگیرند. مجلس این کشور ۲۰۰ کرسی دارد که نمایندگان آن برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. رئیس‌جمهور که مسئول اصلی هدایت سیاست‌های خارجی است، هر شش سال یکبار توسط انجمن انتخاباتی برگزیده می‌شود. سن رأی در این کشور ۱۸ سالگی و رأی دادن حق عمومی است. از میان کشورهای سرزمین‌های نوردیک، دو کشور ایسلند و فنلاند دارای سیستم حکومت جمهوری و دیگران سلطنتی هستند. با وجود این، در قانون اساسی فنلاند همچنان رگه‌هایی از نظام سلطنتی باقی مانده و آن بدین معنی است که به رئیس‌جمهور قدرت واقعی بیشتری نسبت به بسیاری از جمهوری‌های دیگر اروپا داده شده است. قوه قضائیه فنلاند مستقل از قوای دیگر می‌باشد و این قوه از نهادهای

وزارت دادگستری، دیوان عالی و دیوان عالی اداری برخوردار است. سیستم دادگستری فنلاند شامل دادگاه‌های عمومی جهت دادرسی شکایات و جرائم و نیز دیوان عالی به عنوان عالی‌ترین مرجع قضائی نظارت بر پابندی قضات بر قانون، رفتار مجرمان قضایی و مقامات انتظامی است.

نقشه ناهمواری‌های فنلاند



از سوی دیگر، ساختار سیاسی افغانستان متشکل از سه قوه مجریه (دولت)، مقننه (شورای ملی که نهادی دو مجلسی شامل مجلس نمایندگان و مجلس سنا هست) و قضائیه است و نهادهای دیگری نظیر شوراهای شهر و روستا و شوراهای ولایتی را دربرمی‌گیرد. نظام افغانستان، ریاستی است و شخص رئیس‌جمهور بالاترین مقام را در افغانستان دارد. به لحاظ اجتماعی، افغانستان خانه گروه‌های قومی، زبانی مذهبی و ادیان گوناگون است. بازیگران اصلی قدرت در افغانستان، علمای قبایل، اشراف سنتی و محافظه‌کار هستند که با برخورداری از پایگاه گسترده اجتماعی، دولت را تحت کنترل داشته‌اند. ویژگی‌های اجتماعی کشور، ظرفیت‌های تحول به سوی یک جامعه مدرن را به شدت محدود کرده است؛ به گونه‌ای که با حفظ ساختار اجتماعی موجود، نمی‌توان راهی به (رهایی) سوی تأسیس نهادهای نوین، تغییر در جایگاه اجتماعی افراد و گروه‌ها و توسعه کشور به وجود آورد. رفتار سیاسی در جامعه سنتی افغانستان بر مبنای اصول غیرمدنی صورت می‌گیرد. این اصول عبارت است از: خشونت، عصبیت، غیریت‌سازی و قشربندی. افراد و گروه‌های سنتی در افغانستان، تحت یک نظم سیاسی کلان به عنوان «ملت» و

«شهروند» که با احترام به حقوق هم‌دیگر، به وظایف و نقش‌های خویش بسنده کنند، درنیا آمده‌اند. نظم زندگی اجتماعی بر بنیاد خانواده‌های ترکیبی و پدرسالاری استوار است که در آن، زن محور خانواده در امور داخلی، پدر محور خانواده در محیط روستا و خان محور اجتماع در محیط قبیله و محل شمرده می‌شود. گرایش محلی در میان اقوام بزرگ افغانستان به دلیل انباشت شکاف‌های زبانی و نژادی، عریان‌تر از مواردی است که صرفاً با فاصله‌های جغرافیایی در میان آنان به وجود آمده است. در مجموع، عوامل و ویژگی‌های اجتماعی و ساختاری نامبرده، به مثابه عوامل بازدارنده قوی در مسیر شکل‌گیری وفاق اجتماعی، ملت‌سازی، مشارکت‌پذیری، رشد متوازن و هویت‌سازی نقش ایفا کرده و به شدت با ارزش‌های سیاسی مدرن به تعارض برخاسته‌اند (ستیز، ۱۴۰۰).

ترکیب‌بندی ساختار اجتماعی افغانستان بیانگر غلبه گروه‌های سنتی در این جامعه است. این گروه‌ها به طور طبیعی دغدغه‌های غیردموکراتیک دارند. محیط غیردموکراتیک بهتر می‌تواند منافع و جایگاه آنان را در جامعه حفظ کند. الگوهای رفتاری گروه‌های سنتی و شیوه‌های روابط اجتماعی، گریز از فردگرایی را تولید می‌کند که در آن منافع جمعی در محدوده ایل، قبیله، خانواده، محل و فرقه بر منافع فردی برتری می‌یابد. این بدان معنا است که ساختارها و نهادهای اجتماعی برمبنای پیشبرد منافع غیرفردی شکل گرفته و عمل می‌کنند. این منافع از سوی رهبران سنتی تعریف و نمایندگی می‌شود. در این نمایندگی، ضرورتی برای مشارکت توده‌ها احساس نمی‌گردد؛ زیرا منافع عمدتاً از جنس ارزش‌ها، افتخارات و شرف هستند که اصول آن در گذشته‌های دور تثبیت شده است و بزرگان ایل و خانواده، بهتر از جوانان آن را درک و حفظ می‌کنند. این امر مستلزم تمرکز اختیارات در دست رهبران قبیله است. تمرکز رهبری، به سران قبیله اجازه می‌دهد تا تمام امور مربوط به قبیله و روستا را تحت کنترل بگیرند و نسبت به آنها اعمال نظر کنند. اعتبار و نفوذ اجتماعی نیز این نقش را تقویت می‌کند. شدت تمرکز اختیارات در رهبران سنتی باعث از میان رفتن مرزهای تمایزساز «فرد» با «نهاد» شده است. نهادها، اعتبار خود را از فرد (رییس و کلان قوم) می‌گیرند و ورای فرد، فاقد هر نوع اتوریته است. همچنین گروه‌های ایلی و قبیله‌ای به دلیل اتکا بر مبانی مشروعیت سنتی که برخاسته از علایق و خویشاوندی، محلی (سمتی) و یا مذهبی هستند، وفاداری و اطاعت از رهبران را ناشی از کارآمدی و خدمات اجتماعی آنان نمی‌دانند؛ بلکه ناشی از امتیازات غیراقتسابی (وابستگی‌های تباری و محلی) می‌دانند. صرف عملکرد رهبران چندان نمی‌تواند معیار وابستگی‌ها و جدایی‌ها تلقی شود. این امر در عرصه سیاسی مانع عقلانی شدن اقتدار می‌شود. بنابراین، ساختار اجتماعی ایلی با ویژگی‌هایی که دارد، مانعی در جهت رشد مشارکت سیاسی، شکل‌گیری و تفکیک نهادها و بالاخره عقلانی شدن اقتدار می‌شود (ستیز، ۱۴۰۰).

نقشه افغانستان و همسایگان



۵) یافته‌ها؛ بحث و تحلیل

الف) کارزار انتخاباتی فنلاندی و افغانستانی

کارزار انتخاباتی فنلاندی چون حاوی حمایت اجتماعی است گردشگری محسوب می‌شود. امید به زندگی در دموکراسی‌ها بیشتر از نادموکراسی‌ها است. دموکراسی فنلاندی که آزادی در انتخابات این کشور است باعث شده تا هر نقشی در کارزار انتخاباتی این کشور با طعم گردشگری باشد. سیاسی‌کاری و مافیای پشت پرده سرزمین افغانستان اجازه چنین رویه‌ای تربیت و روند اجتماعی شدن را به کارزار انتخاباتی این کشور نمی‌دهد. چه بسا این دموکراسی و نادموکراسی به دلیل موقعیت جغرافیای این دو کشور باشد. یکی در خاورمیانه و دیگر در شمال اروپا. اسلامگرایان گرفتار در جغرافیای جنگ در مقابل مسیحیت لوتری همسایه جنگ اما با سیستم سیاسی دموکراسی. جدای از جغرافیا و تاثیراتش، نقش دین و انقلابات روشنگری دو عامل نادموکراسی در افغانستان است. کمتر کشوری وجود دارد که از دین اسلام برخوردار است و جزو نامبروانهای توسعه دموکراسی محسوب می‌شود چراکه روز رستاخیز را بر دنیا می‌طلبند. افغانستان به نسبت با کشور فنلاند کمتر در معرض یا در آغوش انقلابات روشنگری قرار گرفته است. عصرهای روشنگری به مراتب در شمال اروپا تا جنوب غرب آسیا بیشتر تاثیرگذاری داشته است. بنابراین می‌توان گفت کارزار انتخاباتی دموکراسی فنلاندی سبب خاصیت گردشگری برای رأی‌دهندگان شده است تا در افغانستان که برانگیختگی رأی در دستور کار سیاستمداران و کارگزاران است.

ب) جغرافیای بدن فنلاندی و افغانستانی

بادی لنگویج (Body Language) جغرافیای بدن نامزدهای انتخاباتی در فنلاند بچسب‌تر از این در افغانستان است. نقش اکتیویستهای انتخاباتی فنلاندی در کمپین‌ها توأم با آگاهی و جذب است اما این برای بازیگران انتخاباتی افغانستانی، مبارزه برای کسب قدرت سیاسی است. موقعیت قرارگیری نامزدها که هم شامل جهت جغرافیایی نامزد انتخاباتی و هم شامل چگونه قرار گرفتن است جذابتر از چنین موقعیتی در جغرافیای بدن داوطلبین انتخاباتی افغانستانی شده است. به طور کل رأی دادن در فنلاند، سخاوتمندی و حمایت اجتماعی است تا این حمایت از طرف دولت منتخب اجرا شود. آراء تدبیر جمعی گروه‌ها و اقشار مختلف فکری به طوری که برآمده از توجه به تفاوت‌های جغرافیایی در الگوهای کسب رأی، در دموکراسی فنلاندی وجود دارد اما در افغانستان فرهنگ سیاسی جزیره‌ای مانع تدبیر عقل جمعی و گردشگری انتخاباتی شده است. ستاد و کمپین انتخاباتی نامزدها و احزاب در فنلاند توسط بچسب‌ترین جغرافیای زن سیاستمدار اداره شده است. سانا مارین سیاستمدار حزب سوسیال دموکرات جزء آن دسته انسان‌های سیاسی بوده است که جغرافیای بدن حیرتان‌گیزی دارد. در افغانستان نگاه ایدئولوژیک قومی جنیستی بر انتخابات جاری و ساری است و نامزدهایی که جغرافیای بدن و بادی لنگویج درخور و حرفه‌ای دارند به راحتی نمی‌توانند وارد عرصه نبرد انتخاباتی شوند و برای طرفداران خود شادی از جنش گردشگری انتخاباتی خلق کنند. به طور کلی جغرافیای بدن کارزار انتخاباتی در فنلاند زمینه بیشتری را برای خلق گردشگری کارزار انتخاباتی فراهم کرده است اما در صورتی تربیت و روند اجتماعی شدنی ناقص در افغانستان نتوانسته است کارزار انتخاباتی را در انتخابات افغانستان فراهم آورد که با چاشنی و ماهیت گردشگری باشد.

ج) ادراک فساد و ویران شهری در فنلاند و افغانستان

جغرافیای افغانستان جغرافیای خشخاش است. همین‌طور ادراک فساد و ویران شهری در جغرافیای شمال اروپا یافت نمی‌شود. آبی بنفشی فنلاندی نشان توسعه این کشور است که تهی از ادراک محیطی فساد است. انتخابات افغانستان عرصه کاغذارانی است برای کسب قدرت و پیش برد منافع طایفه‌ای نامزدهای انتخاباتی در صورتی که سیاستمداران متقاضی نامزدی در انتخابات فضیلت‌مندانی هستند که فسادناپذیر و صلح‌گستر هستند و در پی خلق جامعه‌ای نیک به سر برده‌اند.

د) جغرافیای بدن سرزمین فنلاند و افغانستان

بدن سرزمینی فنلاند دوزبانه (فنلاند و سوئد) است که هشتاد درصد آن فنلاندی‌ها هستند. همین جغرافیای بدن یکپارچه سبب آراء مشترک در کارزار انتخاباتی گردشگری فنلاند شده است. اینچنین جغرافیای بدنی، بادی لنگویچ متفاوت و متنوعی خلق کرده است که بنیاد دموکراسی به شمار می‌رود. جغرافیای بدن سرزمینی افغانستان چندزبانه که چندقومیتی و فرهنگی را به رخ می‌کشد و خروجی انتخابات که عقل جمعی است را خرد و تکرر کرده است. در واقع کارزار انتخاباتی وقتی ماهیت گردشگری به خود می‌گیرد تا مشارکت سیاسی، که اوت پوت طیف‌های حزبی سیاسی، نگرشی، جهان‌بینی، میدانی گوناگون باشد که این در کارزار انتخاباتی فنلاند ماهیت گردشگری خلق کرده است در صورتی که در افغانستان تکرر مانع خلق نقش در زمینه‌های گوناگون و برگرفتن رأی توسط نامزدها در رفتار انتخاباتی گوناگون می‌باشد. کیفیت بالای زندگی در کشور فنلاند مرهون وجود دولتی کارآمد و قانونگراست که به واسطه احزاب قوی قدرت سیاسی را کسب و دولت رفاه را خلق کردند در صورتی که در افغانستان ساختار معیوب و کاگزار جهل مدرن از انتخاباتی ورشکسته بیرون آمده است که یکی جغرافیای بدنی یکپارچه و متحد و دیگری جغرافیای بدنی نامتحد و اقتدارگرا خلق کرده است. به طور کلی می‌توان گفت بدن جغرافیای سرزمین فنلاند همگراساز و بالطبع کارزار انتخاباتی پویا و گردشگری را به نسبت بدن سرزمینی افغانستان خلق کرده است. در یک بررسی تطبیقی از تیپولوژی و فیزیولوژی جغرافیای بدن انسان فنلاندی و افغانی می‌توان گفت، انسان فنلاندی در صدر قرار دارد؛ چرا که به واسطه اقلیم سرد و پوشش سرسبز از یکسو و رفاهیات و تغذیه مناسب از سوی دیگر، انسانی است با نژاد بور/بلوند/چشم‌های سبز/بدن تراشیده/بدون از هر گونه چربی اضافی در اندام. این نوع اندام-وارگی در میان نامزدهای انتخاباتی فنلاندی، زمینه جذب آراء در کارزار انتخابات است، به طوری که توده‌ها از اندام چنین نامزدهایی لذت می‌برند. سانا مارین نمونه تیبیک اندام فیزیولوژیکی و سیاسی جذاب انسان فنلاندی در جغرافیای اسکاندیناوی و نوردیک است. از سوی دیگر، انسان افغانستانی به واسطه زیست در جغرافیای سرد، خشک و سوزان از یکسو و سوءتغذیه و شرایط جنگی از سوی دیگر در قعر قرار دارد. خوراک این انسان، کاریدی است و به لحاظ نژادی، انسانی است کوتاه‌قد با چشمانی کوچک و فرورفته. این نوع جغرافیای بدنی، نه تنها در میان توده‌های افغان، بلکه در میان نامزدهای انتخاباتی آنها نیز چشمگیر است. از این حیث، تن جغرافیایی افغانستانی همانند بدن فنلاندی قادر به جذب آراء در کارزار انتخاباتی نیست.

۵) بحث و نتیجه گیری

دموکراسی، جامعه‌ای زنده است که برانگیخته از جغرافیای بدن خود است. در این سیستم‌ها، کارزار انتخاباتی نقش‌های گوناگونی هستند که جذابیت دارند. به این خاطر که قدرت گرایش زیادی دارد و هر طیفی که برای کسب قدرت سیاسی گام بر می‌دارد اینگار که به گردشگری رفته‌اند و در حال لذت بردن از زندگی خود هستند. کنشگری در دموکراسی از آنجا که نقش جغرافیای بدن شهروندان است ماهیت گردشگری کارزار انتخاباتی را شکل می‌دهد. گردشگری کارزار انتخاباتی فراتر از مشارکت سیاسی نیروهای سیاسی و توده است حتی فراتر از جغرافیای قدرت که سیاسی کاری است اینطور که نقش آفرینانش دم را غنیمت شده ضمن گذران زندگی اجتماعی خود برای آینده که کسب قدرت سیاسی حصول به آن است در حال لذت بردن هستند و با تحرکات سیاسی خود رقبا را شکست می‌دهند. گردشگری کارزار انتخاباتی در فنلاند خصلت انسان‌گرایانه و نیکو دارد در صورتی که در جنوب غرب آسیا که افغانستان است خصلت کارگزاری و سیاسی‌کاری است به طوریکه رقبا منافع طایفه‌ای، قومی و زبانی و مذهبی خود را سود می‌جویند. گرایش‌های اینچینی مردگان هستند که در مقابل گردشگری کارزار انتخاباتی زندگان قرار دارند. کارزار انتخاباتی فنلاندی زندگان است که شهروندان را گردشگر و شاد کرده است. همه شاخص‌های گزارش در راستای خلق گردشگری شادی در کارزار انتخاباتی به شمار می‌رود و پویایی جامعه، سلامت روانی، سلامت اجتماعی، سلامت فیزیکی و سلامت معنوی جغرافیای بدن رأی‌دهندگان فنلاندی با تفاوت از افغانستان را به بار آورده است. جغرافیای بدن گردشگران کارزار انتخاباتی فنلاندی و افغانستان که یکی برساخته جغرافیا و دیگری برساخته دموکراسی است شادی و ناشادی را به وجود آورده است که تبعات ژئوپلیتیکی دارد. ناگردشگری کارزار انتخاباتی در سیستم‌های درمانده موجب مهاجرت و دیاسپورا شده است. اما گردشگری کارزار انتخاباتی فنلاند موجب حفظ نخبگان و توسعه پایدار شده است. بر بنیاد یافته‌های این مقاله کارزار انتخاباتی در دموکراسی‌ها گردشگری است این بدین صورت که در نادموکراسی‌ها مشارکت سیاسی و سیاسی‌کاری است. شاید بتوان گفت درمان جوامع ناتوسعه یافته نداشتن دموکراسی کارزار انتخاباتی است. در صورت توزیع قدرت و ثروت، گردشگری کارزار انتخاباتی پدیدار / جهان معنا می‌شود و این یعنی فهم جغرافیای بدن توسط کنشگران و نقش‌آفرینی لذتی / اکنون شگفت‌انگیز برای آینده / کسب قدرت سیاسی اینطور که کرسی‌ها را تحصیل کنند و سلامت معنوی حاصل شود.

۶) تشکر و قدردانی

نویسندگان از کسانی که از آثارشان برای رفرنس سود جست‌ه‌اند سپاسگزاری می‌کنند.

منابع

- اعظمی، هادی، صادقی، وحید، حسینی، سید محمد حسین حسینی (۱۴۰۱)؛ توزیع فضایی آراء در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تاکید بر طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه مَمَسَنی)، مجله جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۲.
- امجد، محمد (۱۳۸۹)؛ سیاست و حکومت در ایالات متحده، تهران، سمت.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)؛ جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن، تهران، نشر علم.
- جونز، مارتین، جونز، رایس و مایکل وودز (۱۳۹۵)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ستیز، عبدالصبور (۱۴۰۰)، ساختار اجتماعی افغانستان؛ عامل توسعه‌نیافتگی سیاسی، قابل دسترسی در سایت: <https://8am.media/fa/afghanistans-social-structure-the-cause-of-political-underdevelopment/>
- صادقی، وحید و همکاران (۱۴۰۲)؛ گردشگری کارزار انتخاباتی از منظر جغرافیای بدن (رویکری نو به پایداری اجتماعی)، همایش ملی کشورداری و پایداری سرزمین در ایران سد پانزدهم / ۷ آذرماه ۱۴۰۲، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.
- صادقی، وحید (۱۴۰۲)؛ تبیین عوامل موثر بر پیروزی نامزدها در کارزار انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، رساله دکتری جغرافیای سیاسی منتشر نشده به راهنمایی هادی اعظمی و مشاوره سید هادی زرقانی، تیرماه ۱۴۰۲ دانشگاه فردوسی مشهد.
- صادقی، وحید و همکاران (۱۴۰۲)؛ تنها راه صلح جهانی، گردشگری و موسیقی‌ست (با تکیه بر تمدن دریایی ایران)، دومین همایش ملی تمدن دریایی - مسیر پیشرفت، نوشهر، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، ۲-دی‌ماه ۱۴۰۲.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۶)؛ نظریات جدید جغرافیای سیاسی، تهران، نشر قومس.
- میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۶)؛ سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن (۱۸۹۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- نوح هراری، یووال (۱۴۰۱)، رسانه‌های اسرائیل در هفته‌ای که گذشت؛ معترضان به تغییرات قضایی، از اقتصاددانان تا

- ویسی، هادی (۱۳۹۴)؛ مفاهیم و نظریه های جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.

- یورنیوز فارسی (۲۰۲۳)؛ فنلاند، شادترین کشور جهان، قابل دسترس به این آدرس:

<https://parsi.euronews.com/2023/03/21/finland-happiest-country-world-iran-happiness-gallup-covid-19>

یووال نوح هراری، گزارش تهیه شده توسط فرنوش رام در رادیو فردا قابل دسترس در این لینک:

<https://www.radiofarda.com/a/32274112.html>